

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

جمعی از کمونیست های انقلابی – افغانستان/ جمعی از کمونیست های انقلابی- ایران
۲۳ جولای ۲۰۲۴

ناتو : در حال تدارک جنگی هولناک برای مردم جهان

ناتو اخیراً کنفرانس خود به مناسبت ۷۵ امین سالگرد تاسیس آن را در واشنگتن برگزار کرد. در هنگامی که این کنفرانس برگزار شد دو جنگ هولناک با خطرات بالقوه برای جهان با حمایت و پشتیبانی کامل ناتو در جریان بود. اول جنگی که صهیونیست های اسرائیلی علیه مردم فلسطین در غزه به پیش می برند، جنگی که از همان روزهای اول ماهیت یک نسل کشی تمام عیار به خود گرفته است و دیگری جنگی است که در اوکراین با حمایت های بی دریغ سیاسی، نظامی و اقتصادی ناتو به پیش می رود و عملاً به میدان تدارک جنگی میان امپریالیست های غرب و شرق مبدل شده است. جنگی هولناک که پتانسیل مبدل شدن به یک جنگ جهانی خطرناک و جنگ اتمی را با خود به همراه دارد.

بنابراین ۷۵ امین اجلاس ناتو در یکی از حادثترین دوران موجودیتش برگزار شد. اینک ناتو از ۱۲ کشور بنیانگذار، به ۳۲ کشور افزایش یافته که ۱۵ کشور آن از اروپای شرقی و بالکان بعد از فرو پاشی بلوک شرق به آن پیوسته اند. ناتو به مثابه یک پیمان نظامی با ابتکار امپریالیست های امریکائی بعد از جنگ جهانی دوم برای تحکیم و گسترش سیادت خود بر جهان امپریالیستی و از طرف دیگر جهت مقابله با تهدید انقلابات و به ویژه وجود اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که روز به روز بر محبوبیتش در میان مردم جهان افزوده و عامل اصلی شکست فاشیسم هیتلری شناخته می شد، و هم چنین مقابله با کشور سوسیالیستی نوینی که در چین در حال تولد بود، تأسیس یافت. اما با تغییر ماهیت شوروی به کشوری امپریالیستی، و دوقطبی شدن جهان، و رقابت های پیمان وارسا با ناتو تضاد میان دو کمپ امپریالیستی حاد شد و ناتو نقش متحد کننده و تدارک و آمادگی جنگ با بلوک امپریالیستی شرق به رهبری شوروی سوسیال امپریالیستی را به عهده گرفت و جهان را تا آستانه یک جنگ جهانی به پیش برد. با فروپاشی بلوک شرق و شکست شوروی سوسیال امپریالیستی در جنگ سرد، ناتو، به ویژه امپریالیست های امریکائی تلاش نمودند از فرصت به دست آمده، حداکثر استفاده را نموده و به موقعیتی دست یابند که « برتری و سیادت» آنان به هیچ وجه زیر سؤال برده نشود.

در همین سال ها مبارزه حادی در درون حزب کمونیست چین میان خط انقلابی و کمونیستی صدر مائو با رهروان سرمایه داری و رویزیونیست ها در جریان بود که بالاخره بعد از مرگ رفیق مائو رهبران سرمایه داری با یک کودتای ضد انقلابی قدرت را به دست گرفتند. در تمامی این دوران امپریالیست های امریکائی و اروپائی به طرق مختلف حامی

رهروان سرمایه داری بودند و از هر تلاشی برای شکست خط انقلابی کمونیستی صدر مائو استفاده نمودند. چین تحت رهبری رهروان سرمایه داری به مدت سه دهه از متحدین نزدیک امریکا و غرب بود. اما با قدرت گرفتن اقتصاد چین که پایه های آن در دوران اقتصاد سوسیالیستی ریخته شده بود، چین به یک کشور امپریالیستی جهان خوار تبدیل شد و دیگر نه تنها حاضر نبود به مثابه یک متحد دست دوم امریکا عمل کند، بلکه با مبدل شدنش به دومین اقتصاد جهان به مثابه یک رقیب برای امریکا و غرب ظهور کرد. به این ترتیب از یک طرف روسیه توانسته بود بعد از فروپاشی شوروی خود را تا حدی بازسازی کند و از طرف دیگر با ظهور یک امپریالیست قدرتمند دیگر - چین موقعیت غرب و امپریالیست های امریکائی بار دیگر زیر سوال برده شد. ساختارهای بافته شده جهان سرمایه داری امپریالیستی بعد از جنگ جهانی دوم با تشدید تضادهای بین امپریالیست ها، ارتجاع و رقیب و هم زمان حدت یابی تضادهای مردم در سراسر جهان علیه کل این نظام به مراتب حادثر گشت.

ناتو مدعی است که یک «اتحاد دفاعی بر اساس قوانین بین المللی است». این ادعائی کاملاً کاذب است. ناتو یک اتحاد برای زورگویی و به راه انداختن جنگ ها در خدمت به منافع امپریالیست های غربی است. تهاجم و تکه پاره کردن یوگوسلاوی و کشاندن چهار کشور جدا شده از آن به ناتو و کشتار دهها هزار انسان در این اشغال، تهاجم و اشغال نظامی افغانستان، عراق، لیبیا، سوریه و جنگ ها در سودان و افریقا و... کاملاً تهاجمی و اشغالگرانه بوده است. از ادعاهای دیگر ناتو «طرفداری از دموکراسی و حاکمیت قانون» است. قانون شکن ترین قدرت عظیم جهان - ناتوست. ناتو پیوسته از دولت های ارتجاعی، نظامی و فاشیستی دفاع کرده است. از دولت هائی هم چون ترکیه، عربستان، طالبان و... دفاع کرده است. از گروه های اسلامی زن ستیز و بشدت ارتجاعی هم چون داعش به طور مستقیم و غیر مستقیم حمایت کرده است. آن ها با اتکاء به این دیکتاتورها است که می توانند هر صدای آزادیخواهی واقعی را در سراسر جهان سرکوب کنند. ناتو مدعی است که از «ارزش های دموکراتیک و حقوق بشر دفاع می کند». جهانیان نوع دفاع ناتو از حقوق بشر را در افغانستان، عراق، ... مشاهده کرده اند و نوع دفاع شان از حقوق بشر در فلسطین را در این روزها می بینند. آنها فقط در قرن ۲۱، بیش از ۵ میلیون انسان را قتل عام کرده و دهها هزار انسان را در زندانهای عمدتاً مخفی در سراسر جهان شکنجه و اعدام نموده اند. گوانتانامو و زندان ابو غریب در عراق فقط نمونه های آن است.

فلسطین، تمرکز و چکیده ماهیت واقعی ناتوست !

فلسطین، اثبات خونین ادعاهای دروغین ناتو در مورد طرفداری از «دموکراسی و حکومت قانون، دفاع از قوانین بین المللی و ارزش های دموکراتیک و حقوق بشر» است. دولت صهیونیستی و اشغالگر اسرائیل که اساساً توسط امپریالیسم امریکا و متحدین آن المان، انگلستان و فرانسه بدون قید و شرط پشتیبانی سیاسی، اقتصادی و نظامی می گردد، در خدمت پیشبرد اهداف ستراتیژیک آنان عمل می کند. نسل کشی و پاکسازی مردم فلسطین در واقع توسط ناتو و در صدر آن امریکا و توسط ارتش صهیونیستی انجام می پذیرد! مقاومت مردم فلسطین با سلاح خون که هدف نابودی نسل نوین - کودکان - را دارد و با قتل عام ۴۰۰۰۰ نفر که رسماً اعلام شده و در حقیقت نزدیک به ۲۰۰ هزار نفر، چهره واقعی اتحاد خونین ناتو - صهیونیسم را به جهان نشان داده و به بیداری و آگاهی مردم در سراسر جهان در مورد ماهیت واقعی امپریالیسم و نقش صهیونیسم در خدمت به منافع آنان کمک کرده است تأییدی است بر این امر که اسرائیل یک پادگان نظامی است که در خدمت منافع جنگی و ستراتیژیک، امریکا و ناتو در مرکز خاورمیانه مستقر شده است.

اوکراین میدان تدارک ستراتیژیک برای جنگ هائی کیفیتاً بزرگتر!

به طوری که اشاره شده جنگ اوکراین به میدان تدارک یک جنگ میان امپریالیست های غرب و شرق مبدل شده است. جنگی هولناک که پتانسیل مبدل شدن به یک جنگ جهانی خطرناک و جنگ اتمی را با خود به همراه دارد. هدف ناتو و به ویژه امریکا از برگزاری جلسه واشنگتن، تعیین ستراتیژی این دوره حساس از عمر ناتو به خصوص در میدان اوکراین است. عمری که جنگ طلبی و برنامه ریزی مشغله اصلی و عمده آن بوده است. اما دیگر به مرحله ای حساسی برای برنامه ریزی جنگی در مقیاسی بسیار وسیع تر رسیده است. به مرحله ای رسیده که دیگر هدف تثبیت و یا تشدید تشنج برای حفظ و یا گسترش مناطق نفوذ در محدوده معینی که در طول سالیان دیده شده، نیست. همه اسناد و شواهد نشان از آن دارد که ناتو برای جنگی در مقیاسی بسیار وسیع تر از آن چه از پایان جنگ جهانی سرد تا کنون بوده است، برنامه ریزی می کند. جنگ در اوکراین زمینه های آن را آماده کرده است و پتانسیل آن را دارد که به مرحله خطرناکی برسد. از طریق این جنگ دو کشور سویدن و فنلاند به ناتو پیوسته اند. سیاست ناتو به ویژه امریکا هر چه بیشتر وابسته تر کردن اوکراین به تزیق مالی، اطلاعاتی، تدارکاتی، آموزشی و سلاح های غرب است. آن ها در کل دوران جنگ، روز به روز بر درگیری ها و دخالت های خود افزوده و سلاح های مرگبار تر را در اختیار اوکراین قرار داده اند. ناتو تصمیم گرفته است نزدیک به ۶۰ هواپیمای نظامی اف - ۱۶ و راکت های دوربرد در اختیار اوکراین قرار دهد تا از این طریق داخل روسیه مورد هدف قرار گیرد. کشورهای ناتو تا کنون بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار در اوکراین هزینه کرده اند و قرار است تا سال آینده ۵۰ میلیارد دلار دیگر به اوکراین کمک کنند. این کمک های مالی، شامل سلاح های ارسال شده نیست. ناتو تحت رهبری امریکا از طریق اوکراین توانسته بخش مهمی از «سیستم هشدار دهنده سریع راکت های اتمی روسیه» را از کار ببندازد و این یکی از مهم ترین ضربات به روسیه بوده است. بر اساس توافق بین روسیه و امریکا حمله به این تأسیسات از هر دو طرف به معنی اعلان و آغاز جنگ اتمی است. هواپیماهای اف - ۱۶ قابلیت حمل کلاهک های هسته ای را دارند و نزدیک شدن این هواپیماها به مرزها را می توان نزدیک شدن به حمله اتمی تلقی کرد و روسیه بارها اعلام نموده جواب آن را با سلاح اتمی خواهد داد. افزایش نجومی بودجه های نظامی هر دو طرف، بیرون کشیدن زرادخانه های اتمی از مخفی گاهها و آماده آتش نمودن آنان و استقرار راکت های اتمی در المان بعد از ۲۰ سال (شولتز صدراعظم المان این اقدام را باز دارنده و در راه تأمین صلح ارزیابی نمود. مارگارت تاچر در دوران جنگ سرد نیز سلاح های اتمی امریکا مستقر در اروپا را «صلح مسلح» نامگذاری کرده بود!) گسترش آسیائی ناتو - با درگیر کردن جاپان، استرالیا، کوریا، جنوبی، نیوزلند به همراه چندین کشور دیگر در این منطقه همه در خدمت کارزار تدارکات جنگ تحت رهبری متمرکز امریکا قرار گرفته اند. تأکید این کنفرانس بر راه «بدون بازگشت اوکراین جهت عضویت در ناتو» آتش جنگ را شعله ورتر خواهد ساخت. دولت و کشور اوکراین در اختیار و اساساً در اشغال نظامی ناتو است. روسیه نیز بخش مهمی از اوکراین را به خاک خود ملحق نموده است. با تشدید درگیری های ناتو در اوکراین و فرسایشی نمودن جنگ برای عقب راندن روسیه، انگیزه روسیه برای ادامه جنگ به هر طریق و قیمتی جهت جلوگیری از عضویت و ادغام اوکراین در پیمان ناتو را تشدید می نماید. تلاش ناتو برای محاصره روسیه و تنگتر کردن آن هم چنان ادامه دارد و روسیه برای بیرون آمدن از آن به هر اقدامی و یا جنایتی ممکن است، دست بزند.

امریکا و ناتو تلاش دارند از وحدت و ائتلاف چین و روسیه جلوگیری کنند و یا حداقل از پشتیبانی سیاسی، نظامی چین از روسیه بکاهند. این فشارها که همزمان با تحرکات نظامی امریکا و ناتو و جبهه آسیائی آن در اطراف تایوان و جزایر مورد ادعای چین صورت می پذیرد، بسیار خطرناک و انفجاری است. در این کنفرانس اعلام گشت که «چین،

منافع امنیت و ارزش های ناتو را زیر سؤال برده است» علت چنین ارزیابی، کلیدی بودن نقش چین در همکاری با روسیه است، نه تنها صرفاً در ارتباط با جنگ اوکراین، بلکه فراتر از آن و در ارتباط با جنگ های بزرگ تر و احتمالاً جنگ جهانی آینده است.

روسیه بسیار تلاش دارد که در مقابل امریکا، هند را به متحد خود و یا حداقل به موضع «بی طرفی در ارتباط با ناتو» وادارد. سفر مودی نخست وزیر هندوستان به مسکو متعاقب «پیروزی» در انتخابات هند در راستای این هدف قرار داشت. از طرف دیگر چین و روسیه تلاش داشته اند که با برگزاری کنفرانس «سازمان همکاری شانگهای» کشورهای را در شرق برای خود در مقابل ناتو متحد کنند.

شکی نیست که اوکراین دارای منابع عظیم گاز و نفت و ذخائر عظیم تیتانیوم، سنگ آهن، لیتیوم، نئون، نیکل و... می باشد که بیش از ۱۵ تریلیون دلار ارزش دارند و می توانند به منبع عظیم مواد خام اقتصاد به ویژه اقتصاد جنگی مورد استفاده قرار گیرند. اما آن چه برای غرب و ناتو در درجه اول اهمیت قرار دارد موقعیت ستراتیژیک اوکراین و پتانسیلی است که می تواند موقعیت نظامی و ستراتیژیک روسیه و از آن طریق چین را بشدت تضعیف کند.

نقشه ناتو و به خصوص تا زمانی که بایدن و دمکرات ها نقش رهبری امپریالیسم امریکا را به عهده دارند، شکست و یا تضعیف اساسی روسیه از طریق تسلط بر اوکراین است و اگر در این امر موفق شوند، آنگاه با تمام قدرت به طرف حریف قدرتمند دیگر یعنی چین که سرعت در حال گسترش قدرت اقتصادی خود و از آن طریق گسترش نفوذ خود در جهان می باشد، هجوم خواهند برد. در صورتی که دمکرات ها نقش رهبری را از دست بدهند، امکان تغییر در این ستراتیژی ممکن است. امکان دارد که در آن صورت امریکا، تلاش کند تا به صورت تاکتیکی موضع خنثی سازی روسیه را در پیش گیرد و از این طریق روسیه را از چین جدا کند با این هدف که تمرکز و نیروهای خود را متوجه چین کند. زیرا معتقدند که امریکا را به معنای واقعی چین تهدید می کند.

ناتو در کنفرانس اخیرش، از دشمن و طرف مقابلش در جنگهای آینده تصویر مشخصی را ارائه داد. بدین ترتیب تبلیغات آنها بر روی روسیه و چین به مثابه دنیای خارج از نرم ها، توتالیتور و دیکتاتور، دشمن مردم و آزادی و دموکراسی و... متمرکز شده و تشدید خواهد یافت.

از طرف دیگر این مسأله به وضوح مشخص شد، که مردم از طرف جنگ های خطرناکی که در راهند تهدید می شوند. علامت ها و سیگنال های هر دو جبهه امپریالیستی در چنین جهتی است. رشد فاشیسم در اروپا و امریکا و بسیاری دیگر از کشورها، خود بیان بحران عظیمی است که جهان سرمایه داری امپریالیستی در آن گرفتار گشته و ساختارها را شکننده تر نموده است.

رقابت ها در میدان جنگ اوکراین هر روزه به مرحله بالاتری جهش می یابد. امپریالیست ها از جنگ اوکراین برای مؤثر تر نمودن ماشین جنگی، سلاح ها و آرایش نظامی خود سود می جویند و از این طریق صدای شیپور جنگ را بالا می برند. این مسأله پتانسیل آن را دارد که به اعتراضات و شورش های مردم در سراسر جهان و حتی در خود کشورهای امپریالیستی دامن زند و بر تدارکات سیاسی و ایدئولوژیک و ماشین نظامی آنان ضربات جدی وارد نماید. دقیقاً به همین علت است که تلاش می کنند به فریبکاری دست زنند، که گویا در تلاشند تا طرحی ارائه دهند تا توافق حماس و اسرائیل را برای آتش بس در فلسطین به دست آورند. وانمود می کنند که برای چنین آتش بسی شب و روز در تلاشند، اما دیگر کمتر کسی است که نداند اگر غرب و به ویژه امریکا فقط یک هفته کمک های مالی و نظامی به اسرائیل را متوقف کند، اسرائیل قادر به ادامه نسل کشی نخواهد بود. از طرف دیگر کمک های بی دریغ به اوکراین را کمک به مردم اوکراین برای نجات از اشغال روسیه می نامند. درحالی که آنها آگاهانه میدان جنگ میان قدرتهای

امپریالیستی را با کمک فاشیست های اوکراینی به مردم اوکراین تحمیل کردند و مردم اوکراین قربانی این جنگ فاجعه بار میان قدرت های امپریالیستی شدند.

ناتو تا کنون در مقابل هر اقدام جهت آتش بس در اوکراین موانع جدی ایجاد نموده است. شروط روسیه نیز به نوعی تسلیم اوکراین است. با توجه به اصرار هر دو گروه امپریالیستی بر ادامه جنگ و حاضر نشدن به عقب نشینی، این جنگ می تواند جرقه وقایع به مراتب حادثر و دهشتناکتری را باعث گردد. انقلاب تنها راهی است که در مقابل مردم جهان باقی مانده است. تنها انقلاب می تواند جلوی جنگ بایستد.

از این جهت وظایف نیروهای انقلابی، مترقی و به ویژه کمونیستی است که با ارائه شواهد واقعی، به افشای این پروسه تدارک برای جنگ و روشنگری مردم جهت بسیج و سازماندهی برای انقلاب بپردازند. با توجه به این که خشم مردم در سرتاسر دنیا در مقابل نسل کشی فلسطینی ها به غلیان آمده و همچنین با توجه به مبارزات مردم ایران علیه حکومت جنایتکار اسلامی که در خیزش ژینا به اوج رسید و پس لرزه های آن همچنان ادامه دارد، مبارزات زنان افغانستان که پتانسیل آن را دارد که به مبارزات توده ئی علیه رژیم طالبان و حامیان بین المللی آن تبدیل شود، مبارزات کنونی در بنگله دیش که خونین شده و ارتجاع حاکم در آن کشور و منطقه را به وحشت انداخته و همچنین مبارزات کوردها در ترکیه و سوریه و مبارزات مردم در ارگنتاین، مکسیکو، چیلی و... همه نشانه های واکنش و شورش مردم جهان به شرایطی است که در آن قرار دارند، شرایطی که در ایجاد آن امپریالیسم جهانی نقش مستقیم دارد. این مبارزات طلایه هائی است که نوید مبارزات بیشتر مردم ستم دیده علیه کاکهای ظلم و ستم را می دهد و فرصتی را برای انقلابیون کمونیست فراهم می کند تا با دامن زدن به انقلاب، شرایط را برای قدرت گیری پرولتار آماده سازند و اینگونه برنامه های هولناک ناتو و رقیب را در هم بریزد.

جمعی از کمونیست های انقلابی - افغانستان

جمعی از کمونیست های انقلابی - ایران

۳۱ تیرماه - سرطان ۱۴۰۳